

وحدت اسلامی که پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران از موضع قدرت و اقتدار به‌عنوان یک راهبرد دائمی مورد توجه قرار گرفت، در مقام عمل در طول این چند دهه با چالش‌هایی جدی حتی در بین وفاداران به انقلاب و هواداران جمهوری اسلامی و حتی دستگاه‌های اجرایی نظام فرهنگی روبه‌رو بوده است.

عدم آگاهی و تعصبات مذهبی شاید مهم‌ترین عامل نقض اتحاد اسلامی است. در نشست پیش‌رو با حضور محمد رضا محمدی‌نجات، مستندساز و پژوهشگر فرهنگ اسلامی و دکتر سعید طاووسی مسرور تاریخ پژوه و عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی، چالش‌ها و آسیب‌ها و نیز سابقه تأکید بر وحدت در جهان اسلام را مورد مذاقه قرار دادیم.

ریشه‌های تاریخی وحدت اسلامی

عبدالعلی‌زاده: برای شروع لازم است تصویری سرزمینی از برآیند موانع قوام و استمرار وحدت اسلامی میان مذاهب شیعه و سنی ارائه دهیم و بعد به ریشه‌های تاریخی آنها بپردازیم.

محمدی‌نجات: بله، بهتر است دکتر طاووسی تصویر مورد نظر را از فضای افکار عمومی و مذهبی جامعه ایران با



برای تماشای فیلم نگاه تحلیلی‌بران عرب به جایگاه منطقه‌ای ایران اسکن کنید

موضوع تقرب و وحدت بین مذاهب مختلف اسلامی و وحدت با عامه مسلمانان ارائه کنند. این‌که جامعه مادر چه وضعیتی قرار دارد؟ به‌خصوص جامعه مذهبی و جامعه حزب‌اللهی ما، بچه‌های هیأتی، روشنفکران اسلامی، نسبت به موضوع وحدت و تقرب چه نگاه و زاویه‌ای دارند؟

طاووسی: به نظر می‌رسد حدود ۴۰ سال از تأسیس هفته وحدت گذشته و هنوز خیلی مسائل حل نشده و انواع و اقسام نگاه‌ها و ابهامات وجود دارد. مثلاً فرض کنید نگاهی که فکر می‌کند وحدت به معنای این است که پیروان مذاهب بخشی از مذهب‌شان را نادیده بگیرند. مثلاً کسی در دانشگاه مذاهب گفته بود ما از فردا «اشهد أن علی ولی...» را نمی‌گوییم شما هم «الصلاة خير من التوم» را نگویند، کسی در پاسخ گفته بود معنی وحدت این نیست که شیعه، سنی شود و سنی شیعه یا مثلاً نگاه‌هایی که از آن طرف پام می‌افتند و با بقیه شیعه مشکل پیدا می‌کند که بخواهد با سنی وحدت داشته باشد.

محمدی‌نجات: یعنی موضوع وحدت به جای این‌که در واقع موضوع وحدت بشود، می‌شود عامل تفرقه بین خودمان. این جزء پارامترهای آسیب شناسانه این بحث است و خیلی هم جدی.

طاووسی: یکی از رقفا که رفته بود در دوره اخیر برای طالبان مستندی بسازد، بعد از این‌که مطالبی در نقد طالبان نوشته بودم، با توهمین از من پرسید، شما از طالبان چه می‌دانید که انتقاد می‌کنید؟ برایش شرح دادم اولین کسی بودم که در نسبت طالبان و دیوبندیه مقاله نوشتم. ولی همان‌طور که آقای محمدی‌نجات گفتند جریان برای وحدت که توان گفت وگو با هم مذہبان خودش را ندارد، شکل گرفته است.

در صورتی که نظرات ما ضد تقرب و وحدت نبوده، صرفاً درباره یک گروهی به نام طالبان نه و به نام همه اهل سنت نکاتی را گفته بود و جماعتی که احساس می‌کنند وحدت یک رمز است برای به خطر افتادن عقاید آنها در مورد نظریات علمی هم خیلی جبهه می‌گیرند.

معضلات افراط و تفریط

عبدالعلی‌زاده: این نوع افراط و تفریط متأسفانه در هر دو سمت این وحدت هست.

طاووسی: بعضی از هیأتی‌ها شاید این‌طور باشند؛ رفته بودیم برای کنگره مرحوم وحید بهبهانی در کربلا. بعد یکی از مسئولان کنگره مرا برد خدمت آقای آیت... سید محمدرضا حسینی جلالی و با تمسخر گفت حاج آقا ایشان کسی است که در تلویزیون جمهوری اسلامی راجع به وحدت صحبت می‌کند، بعد حاج آقا گفت برای این‌که عقل داردا منظور این است حتی با کسی که از وحدت صحبت می‌کند، اینها زاویه پیدا می‌کنند.

محمدی‌نجات: نکته این است که این نگاه در بافت مذهبی، حزب‌اللهی و انقلابی اتفاق می‌افتد. این خیلی نکته و خطر مهمی است.

عبدالعلی‌زاده: خب پایه این رفتار، نبود آگاهی و تعصب است. در هر دوسویه هم مشترک است. **محمدی‌نجات:** تعصب، رنگ و بوی آن است. ولی چرا چنین نگاهی وجود دارد؟ چرا ضرورت موضوع وحدت درک نمی‌شود؟

عبدالعلی‌زاده: مهم‌تر از هر چیز نوعی جریان شناسی است. الان جریان عامی را آقای طاووسی اشاره کردند در مقابل یک جریان رسمی. تقویت یا تلاش برای دعوت به وحدت در حاکمیت اتفاق می‌افتد. حالا چه جریان یا جریاناتی مقابل آن قرار می‌گیرد؟ جریاناتی با ظاهر دینی یا حتی شیعی هم داریم میان قرارداد؛ در نقطه برابری با ظاهر سنی اتفاق می‌افتد.

محمدی‌نجات: نکته این است که این جریان موافق وحدت در ساختار حاکمیتی هم قابل نقد است. **عبدالعلی‌زاده:** آقای دکتر نکته‌شان همین بود. یک چنین نگاهی هم در جریان هست.

محمدی‌نجات: بله. این رویه کسانی است که اقتضائاً ضد وحدت هستند. عده‌ای دیگر، وحدت برای آنها موضوعیت ندارد مثلاً آدم‌های غیرمذهبی برای شان وحدت مذهبی موضوعیت ندارد. کسی که لائیک است برایش چه اهمیتی دارد، مسأله برای چه کسی است؟ برای کسی است که علاوه بر داشتن اعتقاد مذهبی، این

تمایز و تفاوت مذهبی برایش موضوعیت دارد.

نظرات امام و رهبری درباره وحدت اسلامی

عبدالعلی‌زاده: نکته عجیب این است که در برخی افرادی که تعلقی به جریان انقلابی دارند با همه تأکیدی که امام و رهبری روی این مسأله دارند این را نمی‌پذیرند.

محمدی‌نجات: یا قلباً نمی‌پذیرند حتی اگر لفظاً بپذیرند، زیرا مفهوم و ضرورتش را درک نمی‌کنند.

طاووسی: یا مثلاً فکر می‌کنند که تشیع بالاتر از مفهوم انقلابی‌گری است، یعنی انقلابی‌گری ذیل تشیع است. و این ذات تشیع است که باید دشمنی کنند، لذا می‌گویند تأکیدات امام و رهبری هم در واقع مثلاً تکنیکی و دیپلماتیکی و اینهاست!

محمدی‌نجات: در صورتی که ایشان صراحتاً می‌فرمایند موضوع وحدت موضوع راهبردی و استراتژیک است، تأکید نیست. در واقع این محتوا، نامفهوم مانده است. فهمیده و باز نشده است. تمنای ما برای وحدت مذهبی و تقرب بین مذاهب

استراتژیک است. این چیزی است که آقا می‌گوید.

وقتی رجوع کنیم به اندیشه‌های امام خمینی (ره)، خیلی اشاره قشنگی دارند. حضرت امام در موضوع انتظار فرج می‌گویند، انتظار فرج به این معنی نیست بروی در مسجد بنشینن دعا کنی آقا ظهور کند، می‌گوید اگر می‌خواهی آقا ظهور کند، فرج محقق شود، باید تلاش کنی. باید کار بکنی. بعد خیلی جالب است، این‌که چه کار باید بکنی؟ به جمله فقط دارند؛ می‌فرمایند باید مسلمان را با هم مجتمع کنید. یعنی در واقع وحدت پیش‌نیاز ظهور است. این فهمیده نمی‌شود، این درک نمی‌شود.

نقشه‌های مفهوم راهبرد

عبدالعلی‌زاده: نقض در دو بخش است. یک بخشی اصلاً مفهوم راهبرد را نمی‌دانند. نمی‌پذیرند یا نمی‌انند راهبرد یعنی همه چیز باید در خدمت همان محور تعیین شده قرار بگیرد. یک بخش هم اگر این وحدت را بپذیرد و برای آن تلاش کند، می‌ترسد آن داده‌های فردی و شخصی که با آن زندگی کرده و بزرگ شده فرو ببرد، ساختار هویت دینی و اجتماعی‌اش از بین برود. برای همین تأکید دارم ما اول یک برآیندی از نیروها تعریف کنیم اگر لازم است در هر دو جناح یا حتی در همین بخش حاکمیتی بگوییم آفت‌های آن چیست.

طاووسی: این‌که ما وحدت را گوه‌زیم به جمهوری اسلامی به نظرم خطای راهبردی است. فکر می‌کنیم هرکس انقلابی است باید وحدت داشته باشد هرکس از انقلاب خوشش نمی‌آید نباید به دنبال وحدت باشد.

عبدالعلی‌زاده: چون عملاً امام خمینی (ره) در گلوگاه تاریخ پرچمدار این ماجراست و این مفهوم را در قواره راهبرد پی گرفته است.

طاووسی: بله، ولی اصلاً اگر به سابقه وحدت نگاه کنیم، انحصاری در امام و رهبری و اینها نداشته است. هم معاصر با آنها افرادی فعال بودند در این عرصه. مثلاً امام موسی صدر.

عبدالعلی‌زاده: بالاخره خروجی مکتب حساب می‌شوند.

طاووسی: امام موسی صدر این را مطرح می‌کنند که بروند ببینند در هر سالی که حج انجام می‌شود، کدام مذهب بیشتر حاجی دارد. مثلاً یک سال ممکن است حنفی‌ها بیشتر باشند بعد ایشان می‌گویند همه حاجی‌ها طبق فقه حنفی حج کنند. یکی از بیرون نگاه کند بگوید اینها با هم هستند، مثلاً دو میلیون نفر همه مثل هم هستند. این خیلی بالاتر از رعایت بعضی از فروعات است.

عبدالعلی‌زاده: انگار نگاهی میدانی و اجرایی هم هست.

طاووسی: این تأکید حتی چند نسل عقب‌تر هم بوده. مثلاً یک بیانیه از شیخ حبیب... رشتی است از اعظم فقهای نجف که در مورد لزوم حفظ وحدت مسلمانان است. بعد ایشان مثلاً دارند اوضاع مسلمانان را تشریح می‌کنند، مثلاً عثمانی در چه وضعیتی است و ایران در چه

حالتی؟ اهل سنت یا شیعیان عراق چه وضعیتی دارند؟ بریتانیا این وسط چه می‌گوید؟

بعد می‌گوید در این جمع اگر ما با هم نباشیم چه کار باید بکنیم؟ یعنی این همه دشمن خارجی را نادیده بگیریم و بر سر خودمان بزنیم. نسخه خطی بیانیه ایشان هم در کتابخانه مجلس هست که چند سال پیش آن را منتشر کردم. هر چیزی که به عقب بروریم مثلاً همان کنگره مرحوم بهبهانی که اشاره کردم، مقاله‌ای ارائه دادم که در واقع یک نسخه خطی بود که آن را تصحیح کردم. ببینید این‌که دو نگاه ضد تقرب و موافق تقرب همیشه در کنار هم پیش می‌رفتند شاهدش همینجاست.

این مقاله مربوط به سال ۱۲۴۲ قمری است، پیش از تأسیس دولت قاجار، در واقع ۲۴۳ سال قبل. بعد حاکم ماوراءالنهر که اسمش بیکجان بوده، شیعیان خراسان را تکفیر می‌کند و می‌گوید عقد شما اصلاً باطل است. شما باید اول سنی بشوید بعد دوباره زن‌های‌تان را عقد کنید. بد و بیراه هم گفته به علامه مجلسی و صفویه. در آن

زمان بزرگ‌ترین عالم شیعه وحید بهبهانی بود در کربلا. گفته این وحید بهبهانی هم کافر است و قتلش واجب است. نکته جالبش چیست؟ یکی از علمای شیعه به اسم محمد رفیع طبری در اواخر جواب مفصلی که به او داده می‌گوید ما که با اهل سنت مشکلی نداریم، ما با عثمانی‌ها رابطه خیلی خوبی داریم. این وحید بهبهانی هم که در کربلا زندگی می‌کند، کربلا دست عثمانی است. عثمانی با ایشان هیچ کاری ندارد. بزرگان دولت عثمانی در عراق با اهل سنت می‌آیند پیش ایشان التماس دعا هم می‌گویند.

می‌گوید ما با تو تکفیری مشکل داریم که از بخار ما را تهدید می‌کنی. این‌طور نیست که ما با هر اهل سنتی مشکل داشته باشیم. پس نشان می‌دهد در دل اهل سنت یک جریان

اهل مسامحه و مدارا وجود داشته یک جریان متعصب هم وجود داشته در شیعه هم همین‌طور.

ما اگر عقبه این مسأله را خوب دریاوریم به امروزمان هم کمک می‌کند. مثلاً ببینید حسین بن روح نوبختی که نایب امام زمان (عج) بوده، آن قدر فردی نفوذ، حتی در دربار

در روزگار انواع و اقسام امواج اسلام‌هراسی و ایران‌ستیزی که در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در میدان عمل واقعی و فضای مجازی تازه به تازه رخ می‌نمایند و تمام ورودی‌های اطلاعات رسته‌ی انسان امروز در زندگی روزمره‌اش با ابزار رسانه شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی، فیلم‌های سینمایی و کتاب‌های ناظرها پژوهشی و

داستانی را در برگرفته و در فضایی که انواع تهدیدهای منطقه‌گرفته است از فتنه‌های انگلیسی و کینه‌های صهیونیست-جنگ‌افروزی، اشغال، تحریم و در شرایطی که مسلمان نمایان اف

جهان اسلام حضور دارند و نه به نماز جمعه اهل تسنن در مس

عباسی هست که تقاضای اعدام شلمغانی را مطرح می‌کند و خلیفه هم خواسته او را اجرا می‌کند، چون شلمغانی انحرافات خیلی سنگینی داشته. این آدم نهایت مراعات تقیه را داشته. نه فقط درباره خفلا، بلکه حتی نسبت به معاویه که نزد برخی از اهل تسنن به عنوان یکی از صحابه شناخته می‌شود. باز جلوتر که می‌رویم، سیدرضی و سید مرتضی را داریم که از خلیفه عباسی منصب گرفتند، امیر الحجاج، رئیس دیوان مظالم، چه و چه و چه. قبش هم پدرشان. خود آل بویه هم قابل بررسی است. اصلاً آل بویه وقتی وارد بغداد می‌شوند، درواقع نمی‌آیند خلیفه عباسی را از بین ببرند. اتفاقاً جاهایی که مافکر می‌کنیم شیعه‌اقلیت بوده و اگر فرصتی به دست می‌آورده انتقام می‌گرفته، مثلاً در قالب انتقام شیعه‌کشی‌ها. این‌طور نبوده است. من در رساله دکتری‌ام که تاریخ اجتماعی شیعه در پنج قرن اول است، نشان دادم که چقدر شیعه‌کشی انجام می‌شده، مثلاً طرف هیچ جرمی نداشته و فقط چون شیعه بوده، مصلوبش کردند. ولی می‌بینیم که آل بویه انتقام نگرفت. خلیفه عباسی بوده، علمای اهل سنت هم بودند. حنابله بغداد هم بودند و آل بویه هم در بغداد بودند و درواقع تسلط بر همه چیز داشتند. همین‌طور مقاطع بعدی را که مرور می‌کنیم، مثلاً حمله مغول. این‌که تو ذه‌ن ما هست که مغول‌ها هم را می‌کشند. اصلاً این‌طور نیست. مغول‌ها آن جاهایی که در برابرشان می‌ایستادند و از آنها می‌کشند،

مکتب ترک فعل تبیین و تبلیغ

عبدالعلی‌زاده: برخی نهادها که ذات وجودی آنها تبیین و تبلیغ است هم دچار ترک فعل هستند. این هم لاک منفعلانه‌ای است وقتی می‌دانیم، جریان مقابل دارد کار می‌کند.

طاووسی: کسی که در شورای فرهنگ عمومی است و باید سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی را پیش ببرد، متأسفانه ضد جریان راهبرد عمل می‌کند. یکی از رفقای ما که در آنجا کار می‌کند تعریف می‌کرد از طرف دانشگاه مذاهب اسلامی خواستند بیایند یک کتابی را در مورد مولوی اسحاق مدنی که از بزرگان حنفیان ایران است، ترجمه کنند؛ یعنی با خود مولوی مصاحبه کند، یک دستی به سر و روی بقیه مطالب هم بکشد و چاپ بشود. فردی که در شورای فرهنگ عمومی همکار این دوستان بود گفته که

در نشست جریان شناسی ریشه‌های تفر

وحدت؛ پیش‌نیاز

یک ضرورت راهبرد



داستانی را در برگرفته و در فضایی که انواع تهدیدهای منطقه‌گرفته است از فتنه‌های انگلیسی و کینه‌های صهیونیست-جنگ‌افروزی، اشغال، تحریم و در شرایطی که مسلمان نمایان اف

جهان اسلام حضور دارند و نه به نماز جمعه اهل تسنن در مس

انها خشن می‌شدند. مثلاً نیشابور را چرا قتل‌عام کردند، چون داماد چنگیز آنجا کشته شد. کودکان و حتی سگ و گربه‌ها را هم کشتند. در شهرهای دیگر این‌طوری نبود که همه را بکشند، مثلاً چنگیز یا هلاکو گفته بودند علما، تجار، طبیبان و زن‌ها را نکشید. این شهرها که صلح می‌کردند، از قبل یک ایلچی می‌فرستادند و اگر صلح انجام می‌شد، اصلاً هیچ کاری نمی‌کردند. طبق همین سیاست که علما را نکشید، اینها وقتی خواجه نصیر را می‌بینند نه تنها او را نمی‌کشند بلکه او را در نزدیکی خودشان قرار می‌دهند و وزیر هلاکو می‌شود. وقتی هلاکو وارد بغداد می‌شود، قصدش این است که از اهل سنت بغداد انتقام بگیرد به عنوان دشمن و حامیان خلیفه ولی خواجه نصیر مانع او می‌شود. اما در تاریخ بهانه اختلاف زیاد ساخته‌اند؛ این‌که می‌گویند خواجه، خلیفه را کشته، اصلاً درست نیست. این دروغی است که ۱۰۰ سال بعد ابن تیمیه و شاگردانش درآوردند؛ چون خواجه، استاد علامه حلی بوده است و می‌خواستند علامه را بزنند به خواجه تهمت زدند. یک کتابی در سعودی چاپ شده در مورد نقش خواجه نصیر در سقوط عباسیان و قتل خلیفه، محقق سعودی این نظریه را رد می‌کند و از نظر تاریخی می‌گوید این نکات ارزش تاریخی ندارد. یعنی در خود سعودی نقش خواجه نصیر در قتل خلیفه رد شده اما هنوز در ایران بعضی‌ها می‌گویند خواجه خلیفه را گذاشت در نمد

این اشکال شرعی دارد شما برای ترو کار می‌کنید!

در مورد مولوی اسحاق مدنی که با وح

اهل سنت رئیس جمهور بوده است، چ است که در شورای فرهنگ عمومی کار و آقای جمالی‌فر، معاون فرهنگی دانشگ می‌کردم. یک سری از این دانشجویهای ایشان نگاه‌های انحرافی دارند و اهل می‌گفت من را خواستند و گفتند شما داد بعد گفتم آن دانشجویانی که ابهامه گفت وگو کنیم. بعد به دانشجویها گفته بو کنیم و سؤال پرسیم گفته بودن چرا؟ گفت ما نمی‌خواهیم اقتاع شویم.

رویداد

نشست آشنایی با ادبیات دوره جامی

سومین تا ششمین نشست از مجموعه درس‌گفتارهایی درباره جامی در روزهای چهارشنبه ۱۹ و ۲۶ مهر و ۳ آبان ز ساعت ۱۶ تا تمرکز بر «آشنایی با تاریخ و ادبیات دوره جامی» اختصاص دارد با حضور ایرج شهبازی در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار

می‌شود. در این چهار جلسه به بررسی تاریخ‌نویسان و ادبیات دوره تیموری پرداخته می‌شود. در جلسه نخست به شخصیت شگفت‌آور تیمور لنگ پرداخته می‌شود. تیمور به‌عنوان بنیانگذار دوره تیموری، از ویژگی‌های منحصربه‌فردی برخوردار بوده است. در جلسه دوم، درباره جانشینان تیمور، یعنی شاه رخ، ابوسعید و سلطان حسین و اوضاع مذهبی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران در دوره تیموریان سخن گفته می‌شود. این بررسی می‌تواند زمینه را برای پژوهش در ادبیات فارسی در این دوره فراهم آورد. بحث جلسات سوم و چهارم به ادبیات فارسی در دوره تیموری اختصاص دارد. در این جلسات جریان‌های اصلی در ادبیات فارسی و مهم‌ترین ویژگی‌های شعر این دوره بررسی می‌شود و حاضران با مهم‌ترین شاعران این دوره آشنایی خواهند

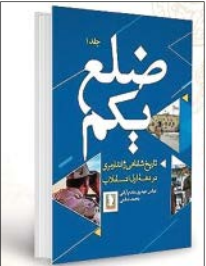


نشر

رونمایی از تاریخ شفاهی رزمندگان زاندارمری در دفاع مقدس

مجموعه سه جلدی «ضلع یکم» شامل تاریخ شفاهی رزمندگان زاندارمری در دفاع مقدس نوشته عباس حیدری مقدم در موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس رونمایی می‌شود.

آیین رونمایی از کتاب «ضلع یکم» با حضور عباس حیدری مقدم نویسنده کتاب، امیرمحمد صانعی، مسئولان ایثارگر و یازنشتگان فرارجا، فرماندهان و پیشکسوتان زاندارمری، امروز (۹ مهر) ساعت ۸ تا ۱۰ و ۲۰ دقیقه در سالن قصر شیرین موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس برگزار می‌شود. این مجموعه سه‌جلدی که شامل تاریخ شفاهی رزمندگان زاندارمری در دفاع مقدس است بعد از سه سال مصاحبه با حدود ۹۰ نفر از رزمندگان و فرماندهان زاندارمری و تدوین مطالب راویان در سه جلد توسط انتشارات سروموزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به چاپ رسیده است. جلد اول به زاندارمری تا پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازد، جلد دوم حاوی تاریخ شفاهی رزمندگان زاندارمری در مناطق مرزی با عراق است و جلد سوم شامل خاطرات شفاهی مأموریت‌های زاندارمری، نقش آموزش و دانشجویان دانشکده افسری در دفاع مقدس و در فصل سوم به تأمین امنیت پشت جبهه در دوران دفاع مقدس می‌پردازد.



نمایشگاه

«عکس جنگ» برپا شد

همزمان با چهل و سومین گرامیداشت هفته دفاع مقدس و یازدهمین نشست از سلسله نشست‌های نیاوران با عنوان «روایتی از هنر و دفاع»، نمایشگاه «عکس جنگ» توسط موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در مجموعه فرهنگی تاریخی نیاوران برپا شد.

همزمان با این نشست، نمایشگاه «پوسترهای دفاع مقدس» از آرشو انجمن هنرهای تجسمی انقلاب و دفاع مقدس بنیاد فرهنگی روایت فتح، نمایشگاه عکس «یک ملت، یک حماسه» با مضمون جنگ از نگاه محمدحسین حیدری برگزار شد.

